

اصل مرزبان نامه و مؤلف آن

دکتر جلیل نظری

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

چکیده

در این گفتار تلاش شده است که نام و نسبت درست مؤلف مرزبان نامه شناسایی گردد چون به سبب خویشاوندی‌های در هم تنیده آل زیاد و آل باوند بسیاری از منابع و حتی مرحوم علامه قزوینی در معرفی دقیق مؤلف مرزبان نامه به خطا رفته‌اند. نگارنده در این نوشته با توجه به منابع موجود اثبات کرده است که مؤلف واقعی مرزبان نامه همان کسی است که کتاب قابوسنامه نام می‌برد نه اشخاص دیگری که ذکر کرده‌اند و نه آن کسی که مرحوم علامه قزوینی استدلال فرموده است.

مقدمه

مرزبان نامه‌ای که اینک می‌شناسیم و در دسترس مردم قرار دارد، تحریری است که سعدالدین وراوینی در اوایل قرن هفتم بر این کتاب انجام داده است.

مرزبان نامه اصلی را مرزبان بن رستم بن شروین در نیمه دوم قرن چهارم به زبان پارسی قدیم نگاشته است. اصل آن از بین رفته منتها دو تحریر منشیانه این کتاب بر جای مانده است؛ یکی همان نگارش سعدالدین وراوینی است که ذکر آن رفت. تحریر دیگر این مرزبان نامه، روضه العقول نام دارد.

روضه‌العقول را محمد غازی ملطیوی از دبیران دربار سلاجقه روم شرقی در اوایل قرن هشتم (۵۹۸) به پایان رساند و آن را به سلیمان شاه سلجوقی در همان ناحیه تقدیم کرد. تحریر اخیر تاکنون چاپ و منتشر نشده، امید آن است که مؤسسات فرهنگی در این راه گامی بردارند و با نشر این اثر ارزنده به فرهنگ و ادبیات ملت خود خدمتی نمایند.

گفتار پیشینیان و نقد آنها

قدیمترین کسی که از مرزبان‌نامه و مصنف آن، المرزبان، سخن گفته نوه دختری وی، امیرکیکاوس، نواده قابوس و شمگیر است. او در کتاب معروف خود، قابوس‌نامه، خطاب به فرزندش می‌گوید: «و چنان زندگی کنی که سزای تخمه پاک تست که ترا ای پسر تخمه‌ای بزرگ و شریف است و زهر دو طرف کریم‌الطرفینی و پیوسته ملوک جهانی؛ جدت ملک شمس‌المعالی، قابوس بن و شمگیر بود که نبیره آغش و هادان بود و آغش و هادان، ملک گیلان بود به روزگار کیخسرو... و جدۀ تو، مادرم، دختر ملک‌زاده، المرزبان بن رستم بن شروین بود که مصنف «مرزبان‌نامه» است... سیزدهم پدرش، کاوس بن قباد بود؛ برادر ملک انوشیروان عادل».^(۱)

بعد از این اثر، معتبرترین منبع در این زمینه تاریخ طبرستان است. مؤلف این کتاب محمدبن اسفندیار در فصل حکمای طبرستان گفته است: «و اصفهبد مرزبان بن رستم بن شروین پریم که کتاب مرزبان‌نامه از زبان و حوش و طیور و انس و جن و شیاطین فراهم آورده اوست. اگر دانادلی، عاقلی، از روی انصاف نه تقلید، معانی و غوامض و حکم و مواعظ آن کتاب بخواند و فهم کند، خاک بر سر دانش بید پای، فیلسوف هند، باشد که کلیده و دمنه جمع کرد. و بداند که بدین مجموع، اعاجم را بر اهل هند و دیگر اقالیم چند درجه فخر و مرتبت است و به نظم طبری او را دیوانی است».^(۲)

بعد از تاریخ طبرستان، محمدبن غازی‌الملطیوی در کتاب روضه‌العقول در این زمینه

چنین می‌گوید: «کتابی طلب کرده شد که از تصانیف ارباب دها و اصحاب بها باشد و مطلوب را شامل و مرغوب را کامل. مرزبان‌نامه را یافته شد که از تصانیف اعقاب قابوس و شمگیر است.»^(۳) و همین شخص در کتاب دیگر خود، بریدالسعاده، می‌گوید:

«این داعی مخلص، کتاب مرزبان‌نامه را که از تصانیف بعضی ملوک مازندران است به الفاظ عذب و عبارت مهذب متجلی کرد.»^(۴) تقریباً در همین زمان، سعدالدین وراوینی در مرزبان‌نامه‌ای که اصلاح کرده است می‌گوید:

«بباید دانست که این کتاب «مرزبان‌نامه» منسوب است به واضع کتاب، مرزبان‌بن شروین، و شروین از فرزندانزادگان کیوس بود؛ برادر ملک عادل، انوشیروان و بر ملک طبرستان پادشاه بود.»^(۵) بعد از منابع فوق، مأخذ دیگری متذکر این کتاب و مصنف آن نشده است. «کشف الظنون» بدون هیچ توضیحی به ذکر اسم «مرزبان‌نامه» اکتفا کرده است.^(۶) و نیز رضاقلی‌خان هدایت در مجمع‌الفصحا و فرهنگ انجمن آرای عباسی مطالبی بیان نموده که به دلیل بی‌فایده بودن از ذکر آنها خودداری می‌شود.^(۷) در میان چهار منبع معتبر فوق‌الذکر سهو مؤلف روضه‌العقول در مورد واضع اصلی مرزبان‌نامه آشکار است و به نظر می‌آید که او، مؤلف مرزبان‌نامه را با مؤلف قابوس‌نامه که از اعقاب قابوس و شمگیر است یکی دانسته و مرتکب این خطا شده است و یا به دلیل خویشاوندیهای هم‌تنیده این دو خاندان یعنی آل زیار و آل باوند، «مرزبان» را از اعقاب قابوس و شمگیر به شمار آورده باشد. از سه مأخذ دیگر، قابوس‌نامه و تاریخ طبرستان هر دو یکسانند یعنی هر دو گفته‌اند: «مرزبان بن رستم بن شروین» اما سعدالدین وراوینی یک واسطه را انداخته و گفته است «مرزبان بن شروین» و «رستم» را حذف نموده و شاید هم مأخذی که در اختیار داشته به همین صورت بوده است. مرحوم علامه فزوینی پس از تحقیقی مستوفی در این زمینه می‌گوید: «... احتمال قوی می‌رود که مرزبان، واضع کتاب پسر پادشاهی دیگر از ملوک طبرستان یعنی رستم بن شهریار بن شروین بن رستم بن سرخاب بن قارن بن

شهریار بن شروین بن سرخاب بن مهر مردان بن سهراب بن باو (جد ملوک باوند) بن شاپور بن کیوس بن قباد باشد و کیوس برادر نو شروان عادل است. و دلیل بر صحت این دعوی و قوت این احتمال آن است که عنصرالمعالی کیکاووس، مصنف قابوسنامه، که از نوادگان دختری مرزبان است صریح می‌گوید که:

سیزدهم پدر مرزبان، کیکاووس (کیوس) بن قباد است و در این نسبنامه که از روی تاریخ محمد بن اسفندیار استخراج شده است، کیوس بن قباد، پدر چهاردهم مرزبان است و بدیهی است که در این گونه انساب طویل، زیاده و نقصان یک نفر البته مغفّر است. چه به واسطه بعد عهد و طول مدت، احتمال سهو و خطا، بسیار قوی است. پس تقریباً به یقین می‌پوندد که «مرزبان» مصنف مرزبان‌نامه پسر همین رستم بن شهریار بن شروین است... و بنابراین باید «رستم بن شروین» را در عبارت قابوسنامه و تاریخ محمد بن اسفندیار به معنی «رستم بن شهریار بن شروین» گیریم؛ یعنی گوئیم که: به جای نسبت به پدر نسبت به جد داده‌اند و این طریقه بسیار معمول و متعارف است. چون ابن سینا و ابن هشام و...»^(۸)

این بود استدلال مرحوم علامه قزوینی در باب مرزبان‌نامه و مصنف اصلی آن. آنچه ملاک استدلال ایشان بوده، نسبنامه‌ای است که وی از روی نوشته‌های تاریخ طبرستان استخراج نموده، و بنده نیز آن را به صورت شجره‌ای تنظیم کرده است.^(۹) ولی باید گفت که: ابن اسفندیار با «المرزبان» حداقل ۲۵۰ سال فاصله داشته و احتمال اینکه در بیان انساب این خاندان مرتکب اشتباه شده باشد، فراوان است. علاوه بر این، آنچه مؤلف این کتاب درج ۱۳۷/۱ گفته است (المرزبان بن رستم بن شروین با مطالب بعدی همین کتاب که اساس استخراج این نسبنامه بوده است. همخوانی ندارد، و از اینها گذشته «المرزبان» خود در شجره این نسبنامه دیده نمی‌شود و نام او در حلقه این سلسله مفقود شده است. زیرا ابن اسفندیار فقط امیران آل باوند را معرفی کرده و از امیرزادگانی که «المرزبان» جزو آنهاست ذکری به میان نیاورده است.

در اینجا ذکر این نکته اصلی ضروری است که آنچه تاریخ طبرستان درباره «ابن» و «اب» بودن این شهریاران به ویژه شماره‌های ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ گفته و مرحوم قزوینی را نیازمند تفسیر و تأویل کرده است با آنچه در نسبنامه خلفا و شهریاران تألیف «زامباور»^(۱۰) و دایرةالمعارف اسلامی، مذکور می‌باشد کاملاً متفاوت است. زیرا در این دو مأخذ اخیر رستم (شماره ۱۳)، برادر شهریار (شماره ۱۲) است نه فرزند او و همین شهریار دو فرزند داشته است به نامهای «المرزبان» و «دارا» که هر دو بعد از پدر به حکومت رسیده‌اند. اینک همین مطالب را از مأخذ اخیر ذکر می‌کنیم:

«پس از شهریار برادرش رستم به حکومت رسید. از او جز سکه‌هایی که در فریم ضرب شده است. اطلاعی در دست نیست. تاریخ ضرب سکه‌ها ۳۵۳، ۳۶۳ و ۳۶۵ است که نام خلیفه‌المطیع بالله و رکن‌الدوله را دارد. بنابراین رستم حکومت مستقلی نداشته و فرمانبردار رکن‌الدوله بوده است. سکه‌های ضرب شده در ۳۶۷ و ۳۶۸ با نام الطائع بالله و عضدالدوله بویه دلیل بر فرمانروایی رستم در این سالهاست. گویا او با همدستی خاندان بویه برای مدتی شهریار را از کوهستان راند تا خودش حاکم باشد. پس از رستم پسرش مرزبان به حکومت رسید. سکه‌های به دست آمده از زمان او، از فرمانروایی وی در ۳۷۱-۳۷۴ حکایت می‌کند او دو کتاب به نامهای «نیکی‌نامه» و «مرزبان‌نامه» به لهجه قدیم طبرستانی تألیف کرده است.»^(۱۱) با توجه به مستندات این دو مأخذ معتبر (تألیف زامباور و دایرةالمعارف اسلامی) و نوشته محمدبن اسفندیار در بخش اول تاریخ طبرستان صفحه ۱۳۷، باید گفت که: مصنف مرزبان‌نامه همان کسی است که عنصرالمعالی گفته است یعنی: «المرزبان بن رستم بن شروین» نه آنکه مرحوم علامه قزوینی استدلال کرده است و حذف یک واسطه را مغتفر دانسته، زیرا مؤلفین دو مأخذ فوق (تألیف زامباور و دایرةالمعارف، منابع و مأخذ بیشتر و دقیقتری در اختیار داشته‌اند که در دسترس مرحوم قزوینی نبوده است. چه، بعید به نظر می‌رسد که مؤلف قابوسنامه با آن

همه ذکاوت و تیزی، در باب نسب پدر بزرگ خویش با آن قرب عهد،^(۱۲) دچار اشتباه شده و یک واسطه را آن هم از واسطه‌های نزدیک، حذف و یا فراموش کرده باشد.^(۱۳)

در باب زبان کتاب سعدالدین وراوینی می‌گویند: المرزبان آن را بر نه باب نهاده هر بابی مشتمل بر چندین داستان بزبان طبرستان و پارسی قدیم باستان ادا کرده.^(۱۴)

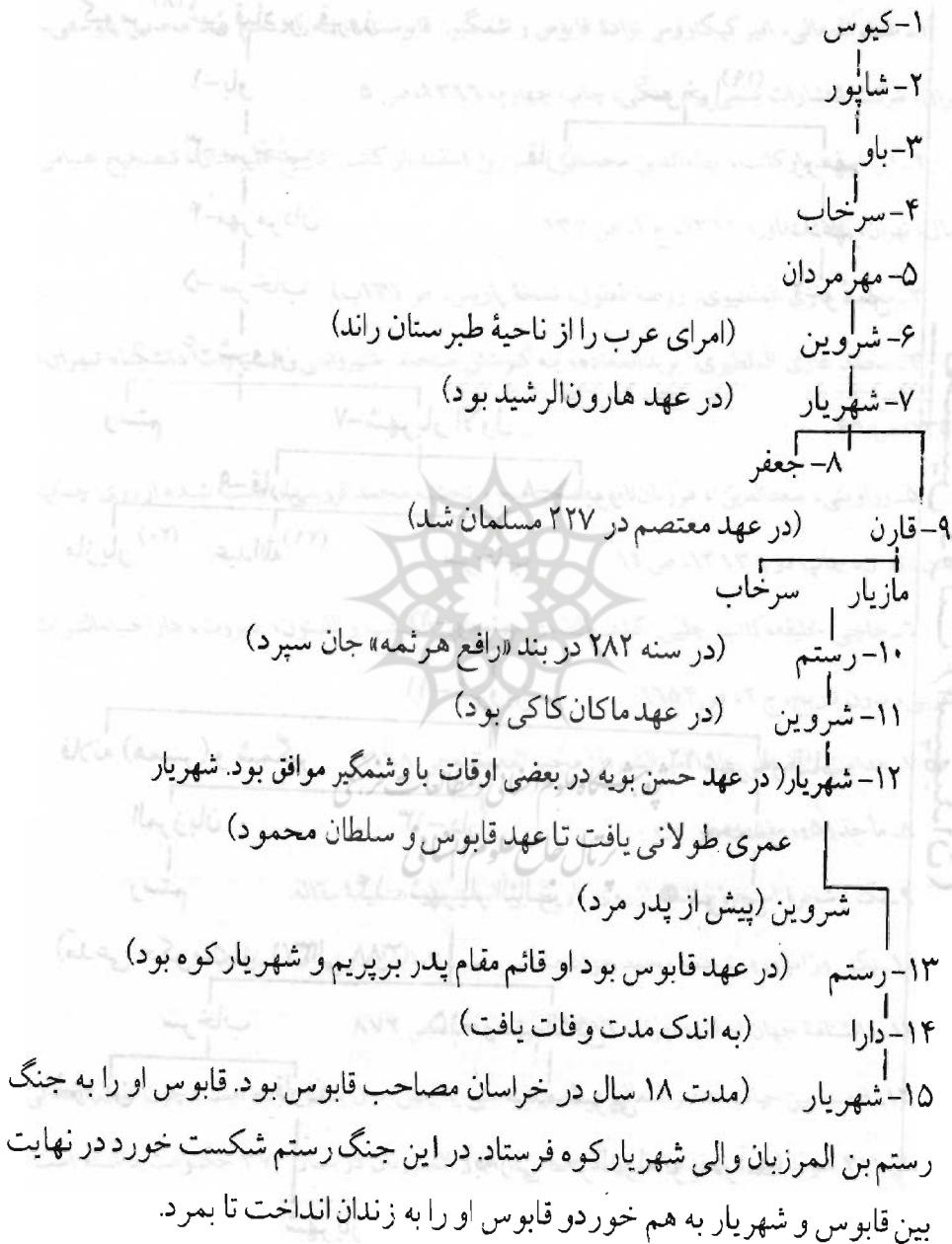
منابع متأخر تر، نیز طبری بودن زبان «مرزبان‌نامه» را تأیید کرده‌اند.^(۱۵) ولی ظاهراً هیچ گونه سند تاریخی جز این نوشته مرزبان‌نامه وراوینی بر طبری بودن اصل کتاب موجود نیست و منابع قدیمی از قبیل تاریخ طبرستان، روضة العقول و قابوسنامه بدین موضوع اشاره نکرده‌اند. پس چگونه می‌توان پذیرفت که «متنی به گویش طبری در دست بوده است و آنچنان اشتها یافته بود که دو ادیب ایرانی دور از یکدیگر، یکی در ملطیه روم- آسیای صغیر- و آن دیگری در اران آذربایجان به آن گویش چندان آشنایی داشته‌اند که هر یک بی‌آگاهی آن دیگری دست به ترجمه آن برند و آن متن اصلی چنان متروک مانده باشد که از آن پس کسی خبر از نام و نشان آن ندهد.»^(۱۶) پس حدس معقول نزدیک به یقین آن است که اصل «مرزبان‌نامه» به زبان فارسی بوده متنها ممکن است ابیاتی به لهجه طبری هم در آن متن مستعمل بوده باشد. کما اینکه در قابوسنامه هم بیت طبری دیده می‌شود.^(۱۷)

نتیجه

حاصل این نوشته و استخراج شجره‌نامه آل باوند و اظهار آن در این نوشتار دو امر زیر بوده است:

- ۱- شناسایی دقیق‌تر مؤلف مرزبان‌نامه و ذکر درست نام و نسبت پدری او و تأیید گفتار کتاب قابوسنامه عنصرالمعالی در این زمینه.
- ۲- مردود دانستن این پندار که زبان اصلی مرزبان‌نامه به لهجه و گویش طبری بوده است. زیرا چنان که در متن مقاله آمده باید بگوییم که اصل مرزبان‌نامه نیز به پارسی ساده قدیم نگاشته شده است نه زبان و یا لهجه طبری.

نسبت آل باوند از روی تاریخ محمد بن اسفندیار



نسبت آل باوند از روی تاریخ محمد بن اسفندیار

کیوس (۱۸) بن قباد بن فیروز



نخستین دولت (اسپهبدان)

منابع و یادداشتها

- ۱- عنصرالمعالی، امیر کیکاووس نواده قابوس و شمگیر: قابوسنامه، به اهتمام غلامحسین یوسفی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۶۶. ص ۵
 - ۲- ابن اسفندیار کاتب، بهاء الدین محمد بن حسن بن اسفندیار کاتب: تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبال، تهران، کلاله خاور، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۳۷
 - ۳- محمد غازی الملطوی: روضة العقول، نسخه پاریس، ص (۱۳)ب
 - ۴- محمد غازی الملطوی: برید السعاده، به کوشش محمد شیروانی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۱، ص ۴۶
 - ۵- وراوینی. سعدالدین: مرزبان نامه، به تصحیح و تحشیه محمد قزوینی، افست شده از روی چاپ لیدن، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۳، ص ۱۲
 - ۶- حاجی خلیفه، کاتب چلبی: کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بدون تاریخ، ج ۲، ص ۱۶۵۴
 - ۷- هدایت، رضاقلی خان (امیر الشعرا): مجمع الفصحاء، ص ۱۱۶۸
 - ۸- مأخذ ۵، مقدمه، ص «ز»
 - ۹- نک: شجره استخراج شده از روی تاریخ ابن اسفندیار، ضمیمه مقاله.
 - ۱۰- نک: «زامباور»، ترجمه محمد جواد مشکور، نسب نامه آل باوند، ضمیمه مقاله.
 - ۱۱- دانشنامه جهان اسلام، تهران، ۱۳۷۱، جزوه پنجم، ص ۸۷۲
 - ۱۲- فاصله بین حیات عنصرالمعالی و المرزبان، سی یا چهل سال بیشتر نبوده است، چون عنصرالمعالی در سال ۴۱۲ متولد شده (مقدمه قابوسنامه، ص ۱۶) و المرزبان در سال ۳۷۴ حکومت داشته است.
- (زامباور، ج ۲، ص ۲۸۶)

فهرست آثار بازنویسی شده در این مجله

- ۱۳- گویا مرحوم علامه قزوینی. بعدها متوجه این اشتباه شده و بدان اشاره کرده است. (مرزبان‌نامه، تصحیح روشن، مقدمه، ص ۲۳)
- ۱۴- مأخذ «۵»، ص ۶
- ۱۵- صفا، ذبیح‌الله: تاریخ ادبیات در ایران، تهران، انتشارات فردوس، ج ۲، ص ۱۰۰۵ و نیز نک. دانشنامه جهان اسلام، جزوه پنجم، ص ۷۸۲
- ۱۶- وراوینی، سعدالدین: مرزبان‌نامه، تصحیح محمد روشن، تهران، نشر نو، ۱۳۶۷، ص ۲۱ و ۲۲
- ۱۷- مأخذ «۱»، ص ۹۸
- ۱۸- نک، تاریخ طبرستان، ص ۱۵۲، (مترجم عربی)
- ۱۹- نک، تاریخ طبرستان، ص ۱۵۱، (مترجم عربی)
- ۲۰- در قیام افشن شرکت کرد و عبدا... بن طاهر اورا براند (۲۲۴-۲۲۲)، دبیروا پز شک مشهور یهودی ابوالحسن علی بن سهل معروف به شیخ رازی بود. *مجموعه انسانی و مطالعات فرهنگی*
- ۲۱- نک: *Weyl: sammtung Fonrobert. I. p. 324*
- رتال جامع علوم انسانی

ردیف	عنوان کتاب	مؤلف	مترجم	سال چاپ	سال انتشار
۱	تاریخ طبرستان	صفا، ذبیح‌الله	مترجم عربی	۱۳۶۷	۱۳۶۷
۲	مرزبان‌نامه	قزوینی، علامه	مترجم عربی	۱۳۶۷	۱۳۶۷
۳	تاریخ طبرستان	صفا، ذبیح‌الله	مترجم عربی	۱۳۶۷	۱۳۶۷
۴	تاریخ طبرستان	صفا، ذبیح‌الله	مترجم عربی	۱۳۶۷	۱۳۶۷
۵	تاریخ طبرستان	صفا، ذبیح‌الله	مترجم عربی	۱۳۶۷	۱۳۶۷
۶	تاریخ طبرستان	صفا، ذبیح‌الله	مترجم عربی	۱۳۶۷	۱۳۶۷
۷	تاریخ طبرستان	صفا، ذبیح‌الله	مترجم عربی	۱۳۶۷	۱۳۶۷
۸	تاریخ طبرستان	صفا، ذبیح‌الله	مترجم عربی	۱۳۶۷	۱۳۶۷
۹	تاریخ طبرستان	صفا، ذبیح‌الله	مترجم عربی	۱۳۶۷	۱۳۶۷
۱۰	تاریخ طبرستان	صفا، ذبیح‌الله	مترجم عربی	۱۳۶۷	۱۳۶۷